

## واکاوی معیار تشخیص جنسیت دوجنسه‌ها در فقه مذاهب اسلامی با رویکرد روایی (بررسی نمونه‌ای اعتبار روایت شریح قاضی)

محمدتقی دیاری بیدگلی\*

محسن دلیر\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۳]

### چکیده

تشخیص جنسیت افراد دوجنسه با بهره‌گیری از معیار شمارش تعداد دنده‌ها، از جمله مسائلی است که در فقه اسلامی محل مناقشه بوده و طرفداران آن، به روایات آفرینش زن از دندهٔ مرد و آفرینش حواء از دندهٔ آدم استناد کرده‌اند؛ روایاتی که بنا به ادعا، روایت شریح قاضی، معتبرترین آنها است. با بررسی سندی و تاریخی روایات مزبور و سیر تحول آنها در منابع روایی، آثار جعل در آنها روشن می‌شود. بررسی اختصاصی روایت شریح نیز اشکالات مختلف سندی و متنی آن را آشکار کرده، وجود روایات معارض و قراین جعل، به‌ویژه مخالفت روایت شریح با مسلمات علمی، جعلی‌بودن آن را مرجح می‌کند. بنابراین، ممکن نیست برای معتبربودن معیار شمار دنده‌ها در تشخیص جنسیت و صدور دیگر احکام، به این روایت استناد کرد.

کلیدواژه‌ها: آفرینش آدم و حواء، دوجنسه (خنثا)، روایت شریح قاضی، اسرائیلیات، جعل حدیث.

\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم mt\_diari@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم (نویسنده مسئول) deleer.mohsen@gmail.com

## مقدمه

از جمله معیارهای تشخیص جنسیت دوجنسه‌ها، تعداد دنده‌های ایشان است که در منابع روایی و فقهی شیعه و عامه، نقل شده و مناقشاتی در آن شده است. مهم‌ترین مستند پذیرش این معیار، روایتی است که در منابع فریقین نقل شده و مشهور به روایت شریح قاضی است که علاوه بر تصریح به خلقت حواء از یکی از دنده‌های آدم، تعداد دنده‌ها را به عنوان معیار تشخیص مرد از زن ذکر کرده است؛ و از آن برداشت کرده‌اند که ممکن است افرادی این قابلیت را داشته باشند که در آن واحد، هم باردار شوند و هم باردار سازند؛ و به آن برای اثبات امکان پدیدآمدن تغییر جنسیت واقعی، استناد شده است (مؤمن قمی، ۱۳۸۵: ۲۲).

در این مقاله، با مطالعه سندی و متنی روایت شریح قاضی، معیار تشخیص جنسیت دوجنسه‌ها در فقه مذاهب اسلامی را واکاوی می‌کنیم.

## آرای فقهای فریقین در معیار تعیین جنسیت

فقه‌ها در پذیرش معیار تعداد دنده‌ها برای تعیین جنسیت افراد دوجنسه، به دو گروه تقسیم شده‌اند:

**الف. پذیرش اعتبار معیار تعداد دنده‌ها:** این نظر از عامه به حسن بصری و عمرو بن عبید شاگرد حسن بصری (خطاب، ۱۴۱۲: ۴۳۲/۶؛ هاشمی، ۱۴۱۹: ۳۴۹؛ نیآوردی، ۱۴۱۹: ۱۴۱۲/۱۱)، حنفی‌ها (العینی، ۱۴۲۰: ۵۳۰/۱۳؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ۷۲۸/۶؛ همو، بی‌تا: ۳۱۶/۷؛ ابن‌نجیم، بی‌تا: ۵۳۹/۸؛ بابرته، بی‌تا: ۵۱۷/۱۰ و ۵۳۱/۱۳)، حنبلی‌ها (هاشمی، ۱۴۱۹: ۳۴۹) و مالکی‌هایی مثل ابن‌یونس، قرافی و حوفی (خطاب، ۱۴۱۲: ۴۳۲/۶؛ دسوقی، بی‌تا: ۴۹۶/۴ - ۴۹۵) و برخی از فقهای شافعی (ابواسحاق شیرازی، بی‌تا: ۴۱۸/۲؛ نووی، بی‌تا: ۱۰۳/۱۶؛ سنیک، بی‌تا: ۵۷/۵) نسبت داده شده و ادعا شده که فقهای شیعه نیز بر پذیرش آن اجماع دارند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۶۰/۱۱). این ادعا با توجه به دیدگاه فقهای که در گروه بعد ذکر خواهد شد، خدشه‌پذیر است، ولی برخی از فقهای شیعه به حجیت آن قائل شده‌اند (حلی، ۱۴۲۰: ۷۴/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۶۵/۱۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۵۴/۲۴؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۴۵۰/۱۹؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۰۰/۲؛ اراکی، ۱۴۱۳: ۲۳۹ و ۲۴۲؛ قمی، ۱۴۲۶: ۹۱۰-۹۱۱/۱۰، لنگرانی، ۱۴۲۱: ۴۸۲).

واکاوی معیار تشخیص جنسیت دوجنسه‌ها در فقه مذاهب اسلامی با رویکرد روایی / ۱۰۷

ب. **نپذیرفتن اعتبار معیار:** از میان عامه، ابن‌ابی‌هریره و فقهای شافعی (نیآوردی، ۱۴۱۹: ۳۸۱/۹-۳۸۲؛ جوینی، ۱۴۲۸: ۱۳۳؛ رویانی، ۲۰۰۹: ۳۷۰/۹؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۴۷۰/۵) و نیز برخی از فقهای مالکی مثل ابن‌عرفه (زرقانی، ۱۴۲۲: ۴۲۰/۸) اعتبار این معیار را نپذیرفته‌اند؛ و از فقهای شیعه، ابن‌عقیل عمانی و بسیاری از فقهای متأخر با توجه به اینکه روایات مستند آن را مخدوش دانسته‌اند، حجیت معیار مزبور را نپذیرفته‌اند (عاملی، بی‌تا: ۲۱۵/۸؛ آشتیانی، ۱۴۱۸: ۱۹۵؛ سبحانی، ۱۴۱۵: ۳۷۶-۳۸۰؛ محسنی، ۱۴۲۴: ۲۲۳/۱-۲۲۴؛ اعرابی، ۱۳۸۷: ۵۶؛ بصری بحرانی، ۱۴۱۳: ۳۵۴/۷).

جالب اینکه در میان فقهای شیعی، فتوای شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۵۸/۴؛ حلی، ۱۴۱۳: ۱۰۰/۹) و شیخ مفید (عاملی، بی‌تا: ۲۱۶/۸) در برخی تألیفاتشان، به پذیرش و در برخی دیگر، به رد اعتبار این معیار تعلق گرفته است.

### مراحل شکل‌گیری روایات استنادشده به آن

برای اعتبار معیار تعداد دنده‌ها به روایاتی استناد شده که می‌توان هسته اصلی آنها را یک روایت دانست که در طی زمان، به تناسب خواست راویان، تحریف و به آن شاخ‌وبرگ داده شده است. مراحل این تحریف، اگرچه از نظر زمانی دقیقاً تفکیک‌شدنی نیست و در تاریخ مبهم مانده، با مراجعه به منابع روایی و بررسی تاریخ تألیف و زمان زندگی مؤلفان منابع، تا حد بسیاری قابل تشخیص است. این مراحل با تقسیم‌بندی زیر روشن می‌شود:

الف. رسول خدا ﷺ مردان را به مدارای با زنان توصیه و اخلاق زنان را به دنده کج، تشبیه کرده است. عبارت کلیدی این روایات «أَنَّ الْمَرْأَةَ كَالضَّلْعِ» (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹: ۱۹۷/۴؛ ابن‌راهویه، ۱۴۱۲: ۲۰۸/۲ و ۲۸۷؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۳۲۱/۱۵ و ۳۵۹/۳۵ و ۳۹۵/۴۳؛ تیمی دارمی، ۱۴۱۲: ۴۲۶/۳؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۲۶/۷؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا: ۱۰۹۰/۲؛ ترمذی، ۱۹۹۸: ۴۸۵/۲؛ البزار، ۲۰۰۹: ۲۹۸/۱۴ و ۹۵/۱۵) یا «إِنَّمَا هِيَ كَالضَّلْعِ» (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۴۹۴/۱۵) است که از عایشه، ابوهریره و ابوذر نقل شده‌اند؛ و در برخی از آنها صراحتاً عبارت به صورت «مَثَلُ الْمَرْأَةِ كَالضَّلْعِ» (البزار، ۲۰۰۹: ۳۸۴/۹ و ۴۷۳/۱۰) آمده است که با قطع نظر از اسناد، به عنوان توصیه‌ای اخلاقی، پذیرفتنی است.

ب. در اثر غفلت راویان، حالت تشبیهی روایات گروه اول حذف شده و کاف تشبیه افتاده، مثل عبارت «المرأة ضلع» (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۶۷/۳۵) ولی با همان سند و مضمون اخلاقی مشابه روایت پیشین، نقل شده و البته «سمرة بن جندب» نیز به راویان اولیه (عایشه، ابوهریره و ابوذر) افزوده شده است. عبارت کلیدی این روایات، «أَنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ...» است (حمیدی، ۱۹۹۶: ۲۹۳/۲؛ ابن‌ابی‌شبهه، ۱۴۰۹: ۱۹۷/۴؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۲۸۳/۳۳؛ تمیمی دارمی، ۱۴۳۴: ۵۳۱؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۱۳۳/۴؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا: ۱۰۹۱/۲؛ ابن‌ابی‌اسامه، ۱۴۱۳: ۵۵۰/۱؛ البزار، ۲۰۰۹: ۱۴۸/۱۷؛ نسائی، ۱۴۲۱: ۲۵۱/۸ و ۲۵۵).

ج. با الهام از روایات پیشین و با تکیه بر داستان آفرینش ذکرشده در تورات، شبه‌روایاتی جعل شده که آفرینش حواء را از دندهٔ آدم مطرح می‌کند (اعرابی، ۱۳۸۷: ۱۳). ریشهٔ این داستان در منابع اسلامی، به ابن‌اسحاق (متوفای ۱۵۱ ه.ق.) که منبع داستان را اهل کتاب و تورات معرفی کرده (طبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۱-۱۰۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۷: ۳۱/۱) و حمیری (متوفای ۲۱۳ ه.ق.) به نقل از وهب بن منبه (حمیری، ۱۳۷۴: ۱۴) که از منابع انتشار اسرائیلیات در منابع اسلامی است (سبحانی، ۱۴۱۸: ۵۴۵/۱)، باز می‌گردد. نکته اینجا است که رواج این داستان هم‌زمان با عصر ارتباط مسلمانان با علوم یونانی بوده و در آموزه‌های یونانی هم، آفرینش زن از دنده‌های مرد مطرح بوده و به ارسطو نسبت داده می‌شده است (دلیر، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

این داستان، در کتاب‌های دست اول روایی عامه، همچون صحاح سته، وجود ندارد، بلکه به عنوان شرح آنها در ذیل روایات دو گروه قبل ذکر شده است؛ منابعی همچون تفسیر قرآن (ابن‌مندر، ۱۴۲۳: ۵۴۷/۲ - ۵۴۸) و شرح صحاح (ابن‌بطلال، ۱۴۲۳: ۳۸۷/۷؛ جوزی، بی‌تا: ۴۷۸/۳، نووی، ۱۳۹۲: ۵۷/۱۰؛ نیآوردی، بی‌تا: ۴۴۶/۱) که مربوط به قرن چهارم به بعد هستند، در حالی که منابع دو گروه گذشته، همگی مربوط به پیش از قرن چهارم بودند. برای اسلامی کردن داستان مزبور، از ابن‌عباس، ابن‌مسعود (طبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۱-۱۰۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۷: ۳۱/۱) و مجاهد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۴/۱) به عنوان باورمندان به آن نام برده شده، ولی کسی آن را به رسول خدا ﷺ نسبت نداده است.

د. افزودن جنبهٔ فقهی به داستان مذکور و نسبت‌دادن آن به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام با سندی متصل که از آن تعبیر به روایت شریح قاضی می‌شود؛ این روایت، برای نخستین بار در کتاب *الأخبار الموقفیات* تألیف زبیر بن بکار (متوفای ۲۵۶ ه.ق.) و از او در کتاب

شاگردش وکیع (متوفای ۳۰۶ ه.ق.) نقل شده است (وکیع، ۱۳۶۶: ۱۹۷/۲)، اما در صحاح سته و دیگر منابع روایی، تفسیری یا تاریخی دست اول عامه وجود ندارد، اگرچه در منابع فقهی هر چهار مذهب، که پس از سده چهارم تألیف شده‌اند، از آن یاد شده است که در بخش اختلاف آرای فقها ذکر شد.

### روایات آفرینش زن از دنده مرد در منابع شیعی

در منابع متقدم شیعی، روایت «إنما المرأة كالضلع»، فقط در معانی الاخبار شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ ه.ق.) (صدوق، ۱۳۶۱: ۳۰۵-۳۰۶) با سند مذکور در مسند دارمی (متوفای ۲۵۵ ه.ق.) یعنی «سعید بن ایاس الجریری از اَبی العلاء یزید بن عبداللّه بن الشخیر از نُعیم بن قَعْب» از اَبی ذر نقل شده که همه راویان آن از عامه هستند و در کتب رجال شیعه از ایشان یاد نشده است. همچنین، دارمی متن را به صورت «إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ...» نقل کرده (تمیمی دارمی، ۱۴۳۴: ۵۳۱) که در هیچ منبع روایی دست اول شیعی، چنین عبارتی از معصومان علیهم السلام نقل نشده است.

آفرینش حواء از دنده آدم، در چهار روایت از منابع شیعی نقل شده است:

الف. در روایتی از زبان امام باقر علیه السلام در من لایحضره الفقیه، به صورت مرفوع از سکونی نقل شده (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۲۶/۴) که او را موثق دانسته‌اند، اما مذهب عامه داشته (خویی، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۳)؛ و می‌توان روایت او را دخیل از منابع عامه دانست که به اشتباه به امام علیه السلام نسبت داده شده است.

شیخ صدوق پس از نقل این روایت و نیز نقل مرفوع آن در جایی دیگر به صورت «رَوَى أَنَّ حَوَاءَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعِ آدَمَ الْأَيْسَرِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۰/۳-۳۸۱)، هر دو را برخلاف ظاهر آنها به آفرینش حواء از باقی مانده گلی که دنده آدم با آن آفریده شده، تفسیر کرده (همان: ۳۸۱/۳ و ۳۲۷/۴) که نشان‌دهنده اعتقادداشتن او به مضمون ظاهر آنها است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۵۸۰/۱۱).

ب. روایت مذکور در بحارالانوار این‌طور معرفی شده: «در یکی از کتاب‌های معتبر دیدم روایت شده است» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۱/۵۶). ایشان راوی آن را فضل‌الله راوندی از ابن عباس دُوربستی ذکر کرده که با سند خویش در ضمن حدیثی طولانی از معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (همان: ۹۳/۵۶).

**نقد:** اگر بپذیریم وجاده روایت با توصیف مذکور حائز اعتبار شود، باز هم راویانی همچون «جعفر بن احمد بن علی المونسی القمی» و «احمد بن محمد بن یوسف» و «حبیب الخیر» در سند آن مجهول‌اند و «محمد بن حسین بن سعید الصائغ» با عنوان «جداً ضعیف» توصیف شده است (خویی، ۱۴۱۳: ۸/۱۶)، بنابراین روایت ضعیف است و در خور اعتماد نیست.

ج. در *الکافی* با سند صحیح از امام باقر علیه السلام نقل شده: «خدای متعال آدم را از آبی گوارا و همسرش را از جنس و سنخ او آفرید، پس او را از پایین‌ترین دنده آدم پدید آورد» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۴۲/۵).

ممکن است عبارت «پس او را از پایین‌ترین دنده آدم پدید آورد»، از جانب یکی از راویان در توضیح سنخیت ایشان افزوده شده باشد. این روایت با همین سند، در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام نقل شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۱۱۴/۲). اضطراب در تعیین امام علیه السلام و احتمال افزوده شدن عبارت توضیحی به روایت، آن بخش از روایت را غیر قابل استناد می‌کند، مگر اینکه با روایتی خدشه‌ناپذیر تأیید شود. پس همه چیز منوط به بررسی روایت شریح است که در ادامه بررسی می‌شود.

### زبیر بن بکار و روایت شریح

در منابع سه سده نخست هجری، روایت شریح را فقط در کتاب زبیر بن بکار با اسناد متصل می‌توان یافت. زبیر از کارگزاران عباسیان و تا زمان مرگش (۲۵۶ ه.ق.) قاضی متوکل بود (ابن‌ساعی، ۱۴۳۰: ۳۷۱)؛ دارقطنی او را توثیق، ولی ابن‌ابی‌حاتم او را تضعیف کرده و احمد بن علی السلیمانی او را «منکر الحدیث» (ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۱۱/۱۲-۳۱۴)، واضح و جاعل دانسته است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۶/۲). کتاب او «مجموعه‌ای در اخبار و نوادر تاریخ» توصیف شده که برای خلیفه، الموفق بن متوکل عباسی، نوشته شده است (زرکلی، ۲۰۰۲: ۴۲/۳). متن روایت چنین است:

شریح می‌گوید زنی نزد من آمد و گفت: من برای شکایت آمده‌ام. شریح پرسید: طرف دعوی تو کیست؟ پاسخ داد: خود تو! مجلس برایش خلوت شد و شریح گفت: سخن بگو. زن گفت: من زن هستم، ولی هم آلت مردانه و هم

آلت زنانه دارم. شریح گفت: امیرالمؤمنین علی در این زمینه با استناد به مجرای ادرار، به ارث قضاوت کرد. زن گفت: از هر دو جاری می‌شود. قاضی پرسید: از کدام زودتر شروع می‌شود؟ پاسخ شنید: از هیچ‌کدام! در یک زمان جاری و در یک زمان قطع می‌شود. شریح گفت: چه عجیب! زن: عجیب‌تر اینکه پسرعمویم با من ازدواج کرد و زن خدمت‌گزاری برای انجام کارهای من گمارد. من با آن زن نزدیکی کرده و او را باردار کردم. اکنون که فرزندی برایم آورده، نزد تو آمده‌ام تا مرا از همسرم جدا کنی. شریح از مجلس قضاوت برخاست و نزد علی رفت و جریان را گزارش داد. علی زن را خواست و از حقیقت مطلب پرسید. زن سخنان شریح را تأیید کرد. علی همسر زن را احضار کرد و پرسید: این همسر و دخترعموی تو است؟ گفت: آری. فرمود: پس می‌دانی چگونه است؟ گفت: آری؛ زن خدمت‌گزاری برای خدمت او گماردم و با او نزدیکی کرد و باردارش کرد. حضرت پرسید: پس از آن تو با او نزدیکی کردی؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: تو نیکوتر از اخته‌کننده شیر هستی «لانت احسن من خاصی اسد». حضرت به دینار خادم و دو زن، دستور داد او را داخل اتاقی ببرند و لباسی به او بپوشانند و دنده‌هایش را بشمارند. آنها این کار را کردند و خبر دادند: تعداد طرف راست یازده و تعداد طرف چپ دوازده دنده است. علی تکبیر گفت و دستور داد برای آن زن ردا و کفش مردانه بیاورند و به مردان ملحق ساخت. همسرش گفت: ای امیرالمؤمنین، او همسر و دخترعموی من است، ما را جدا کردی و او را به مردان ملحق ساختی؟ از کجا این داستان را آموخته‌ای؟ فرمود: از پدرم آدم آموخته‌ام؛ زیرا خدای عزوجل، حواء را از دنده‌ای از دنده‌های آدم آفرید، پس دنده‌های مردان یک دنده کمتر از دنده‌های زنان است (ابن‌بکر، ۱۴۱۶: ۲۵).

### روایت شریح در منابع روایی شیعی

روایت شریح در *الکافی* موجود نیست، ولی در *من لایحضره الفقیه*، *ارشاد مفید*، *تهذیب و مناقب ابن شهر آشوب* با اسناد مختلف و در *دعائم الاسلام* (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۳۸۷/۲) و *اربعین عطاء* (نوری، ۱۴۰۸: ۲۲۳/۱۷) به طور مرسل و در دیگر منابع شیعی از این

کتاب‌ها نقل شده است. ذکر روایت در منابع مختلف موجب شده است اختلاف‌هایی از نظر محتوایی در آنها مشاهده شود که ممکن است موجب اضطراب متنی روایت به شمار آید.

### نقد روایت شریح در منابع عامه

در منابع عامه افزون بر شاذ (علیش، ۱۴۰۹: ۷۱۶/۹)، بعید (مرداوی، ۱۴۱۵: ۲۴۱/۱۸) و غیرثابت دانستن روایت شریح، سه نقد بر آن وارد شده است که دو نقد در این بخش و یک نقد در بخش مخالفت با مسلمات علمی نقل می‌شود:

**نقد اول:** اعتبار معیار مطرح‌شده در روایت شریح برای تشخیص جنسیت دوجنسه‌ها، یعنی تعداد دنده‌ها، مستلزم اعتبارنداشتن معیار مجرای ادرار و مقدم بر آن است (نیآوردی، ۱۴۱۹: ۳۸۲/۹ و ۴۱۲/۱۱؛ رویانی، ۲۰۰۹: ۳۷۰/۹)؛ چون دلالت معیار دنده‌ها، مثل ولادت، حسی است (نووی، بی‌تا: ۴۸/۲).

**نقد دوم:** در صورت پذیرش معیار مطرح‌شده در روایت شریح، دیگر خنثای مشکلی وجود نخواهد داشت، پس حکم ذکرشده در این روایت، با اجماع بر وجود خنثای مشکله، تعارض دارد (علیش، ۱۴۰۹: ۷۱۶/۹؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸: ۳۳۶/۶؛ ابن‌مفلح، ۱۴۱۸: ۴۰۳/۵؛ مقدسی، بی‌تا: ۱۴۸/۷؛ مقدسی، ۱۴۱۵: ۲۴۲/۱۸). این نقد در برخی از منابع شیعی نیز مطرح شده است (حلی، ۱۳۸۷: ۲۵۰/۴؛ عاملی، بی‌تا: ۲۱۶/۸).

### اختلاف و اضطراب در متن‌های منقول روایت شریح

از جمله موانع استناد به روایت شریح، اختلاف موجود در متن نقل‌های مختلف آن است که چه از سوی چند راوی باشد یا یک راوی یا از سوی مؤلفان یا نویسندگان پدید آمده باشد، موجب اضطراب است؛ و مطلقاً مانع از عمل به مضمون حدیث می‌شود (غفاری، ۱۳۶۹: ۷۱). این اختلاف‌ها به طور خلاصه در جداول زیر ذکر شده‌اند:

الف. شکایت‌کننده باردار شده و باردار کرده بود یا فقط باردار کرده بود؟	
من لایحضره الفقیه، مناقب و ارشاد	الموقفیات، تهذیب، دعائم و اربعین
باردار شده و باردار کرده بود	فقط باردار کرده بود



واکاوی معیار تشخیص جنسیت دوجنسه‌ها در فقه مذاهب اسلامی با رویکرد روایی / ۱۱۳

گروهی به قرینه اینکه امام علیه السلام آن شخص را به مردان ملحق فرمود، معتقد شده‌اند که عبارت منابعی که از آنها برداشت می‌شود «فقط باردار کرده بود» مثل تهذیب صحیح است (شوشتری، ۱۴۱۵: ۴۲۸/۱۰).

ب. اختلاف در ضرب‌المثل نقل شده از امام <small>علیه السلام</small>				
من لایحضره الفقیه	تهذیب و مواهب الجلیل	ارشاد و مناقب	دعائم و شرح زرقانی	الموفقیات
لَأَنْتَ أَجْرًا مِنْ رَأَكِبِ الْأَسَدِ	لَأَنْتَ أَجْرًا مِنْ خَاصِي الْأَسَدِ	لَأَنْتَ أَجْرًا مِنْ صَائِدِ الْأَسَدِ	لَأَنْتَ أَجْرًا مِنْ خَاصِي الْأَسَدِ	لَأَنْتَ أَحْسَنُ مِنْ خَاصِي الْأَسَدِ

ج. شخص احضار شده از سوی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> برای شمارش دنده‌ها			
ارشاد	مناقب	من لایحضره الفقیه	الموفقیات، تهذیب، دعائم و اربعین
قبر با چهار زن عادل	قبر با چهار زن و بعد دینار خصی	قبر و بعد دینار خصی	دینار خصی با دو زن

در برخی از منابع قرن پنجم عامه (*الحاوی الکبیر و بحر المذهب*) از قبر و برقاء نام برده شده<sup>۱</sup> (نیآوردی، ۱۴۱۹: ۳۸۱/۹؛ رویانی، ۲۰۰۹: ۳۷۰/۹) و در دعائم و اربعین دینار، «حجام» توصیف شده است.

د. امام <small>علیه السلام</small> دستور داد پس از بیرون آوردن لباس در هنگام شمارش دنده‌ها به او چه بپوشانند؟				
ارشاد	الموفقیات و مناقب	من لایحضره الفقیه	تهذیب	دعائم و اربعین
محکم کردن «تیباً» (لباس)	«تیباً» (لباس)	«ازار» (پوشش)	نقاب	چنین مضمونی نیست

هـ. تعداد دنده‌های مرد و طرف ناقص				
ارشاد و مناقب	من لایحضره الفقیه	الموفقیات	تهذیب و دعائم	اربعین
۷ و ۸ راست	۸ و ۹ چپ	۱۱ و ۱۲ راست	۱۱ و ۱۲ چپ	۱۷ و ۱۸ چپ

## اسناد روایت شریح

تمام نقل‌های روایت شریح در منابع مختلف، با همه اختلاف‌هایی که در متن دارند، با سه سند به شرح زیر نقل شده‌اند:

۱. **عَبْدَاللَّهِ بْنِ مُعَاوِيَةَ** از پدرش **مُعَاوِيَةَ** از پدرش **مَيْسَرَةَ** از پدرش **شُرَيْحِ** (ابن‌بکار، ۱۴۱۶: ۲۵)؛ روایت شریح با همین سند از منابع عامه در تهذیب نقل شده است (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۵۴/۹). راویان این سند در کتاب‌های رجال شیعه، مجهول‌اند و با اینکه از آنها یاد شده، هیچ ارزیابی‌ای از وضعیت ایشان وجود ندارد (خویی، ۱۴۱۳: ۸۴/۱۲، ۳۳۶/۱۰ و ۱۱۰/۱۹) که همین، دلیل بی‌اعتمادی به روایت (عاملی، ۱۴۱۳: ۲۴۵/۱۳) و ضعف آن دانسته شده است (حرّ عاملی، بی‌تا: ۲۱۷/۸).

۲. **حسن بن علی** عبدی از **سعد بن طریف** از **اصبغ بن نباته** از **شریح** (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۳/۱)؛ در کتاب **مناقب واسطه** میان «سعد بن طریف» و «شریح» حذف شده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۷۶/۲).

در منابع رجالی، توصیفی از **حسن بن علی** عبدی وجود ندارد و در **معجم رجال الحدیث** با عنوان **ابوالحسن عبدی** از او یاد شده است (خویی، ۱۴۱۳: ۱۱۷/۲۱)، اما **سعد بن طریف**، توثیق و از یاران **امام باقر** علیه السلام و **امام صادق** علیه السلام محسوب شده، ولی از سوی **نجاشی** و **ابن‌غضائری** تضعیف شده است (همان: ۷۰/۸). علاوه بر اینکه واسطه‌های میان **شیخ مفید** و **عبدی** معلوم نیست.

۳. **عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ** از **مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ** از **امام باقر** علیه السلام (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۲۷/۴)؛ علامه **حلی** وضعیت راویان این سند را نامعلوم دانسته و از ابراز فتوا بر طبق آن خودداری کرده (حلی، ۱۴۱۳: ۱۰۰/۹) و در **شرایع** نیز روایت ضعیف دانسته شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳۹/۴)، اما برخی آن را **حسن** (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۵۸۰/۱۱ و ۵۸۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۳۸۰/۵)، **حسن کالصحیح** (عاملی، بی‌تا: ۲۱۷/۸)، معتبره (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵۱/۳۰)، قوی (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۶۶/۱۱) و صحیح توصیف کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵: ۴۴۸/۱۹؛ سبحانی، ۱۴۱۵: ۳۷۶؛ محسنی، ۱۴۲۴: ۲۲۲/۱).

**طریق صدوق** به کتاب **القضایای محمد بن قیس** چنین است: «**ابو عبدالله بن شاذان** از **علی بن حاتم** از **محمد بن جعفر الرزاز** از **عبدالله بن محمد بن خالد** از **عبدالرحمن بن ابی‌نجران** از **عاصم بن حمید** از کتاب **محمد بن قیس**» که گفته شده **عبدالرحمن بن**

ابی‌نجران مطالب بسیاری بر آن کتاب افزوده است (خوبی، ۱۴۱۳: ۳۰۰/۹)؛ و البته این طریق، صحیح ارزیابی شده است (همان: ۲۲۲/۲۱؛ ۲۳۶/۱۱ و ۱۷۳/۱۵ و ۹۳/۱۰).  
راوی کلیدی این سند «محمد بن قیس»، مشترک میان چند راوی است (همان: ۱۷۱/۱۷) و چون صدوق، زمانی که طریق خود را به کتاب قضایای امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می‌کند، لقب او را ذکر نکرده، امکان دارد «ابونصر اسدی» یا «ابوعبدالله بجلی» باشد. ابونصر اسدی، از بزرگان کوفه و خاصان خلفا، عمر بن عبدالعزیز و یزید بن عبدالملک، بوده، ولی با این حال رجالیان شیعه (همان: ۱۷۴/۱۷) و عامه (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۴۳/۶؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۷۱: ۶۱/۸-۶۲) او را توثیق کرده‌اند و از رجال صحیح مسلم نیز هست (قشیری نیشابوری، بی‌تا: ۱۰/۱ و ۶۴۴/۲). ابوعبدالله البجلی، ثقه و از شیعیان خاص ممدوح است (خوبی، ۱۴۱۳: ۱۷۳/۱۷). جالب اینکه هر دو، کتابی با موضوع قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام داشته‌اند (همان: ۱۷۵/۱۷) و «عاصم بن حمید» هر دو را روایت کرده و هر دو از صادقین علیهم السلام روایت کرده‌اند (همان: ۱۷۶/۱۷). بنابراین، برای تمیز این دو راوی از هم، قرینه راوی و مروی نیز مفقود است.

پس احتمال ورود روایت شریح در اثر سهو یا اختلاط و ...، از سوی محمد بن قیس اسدی، که با بزرگان عامه اختلاط داشته، وجود دارد. افزون بر اینکه احتمال دارد «عاصم بن حمید» که با «سعد بن طریف» در ارتباط بوده (همان: ۷۱/۸ و ۱۷۲/۹) و به واسطه او از امام باقر علیه السلام هم نقل روایت کرده (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۱/۳) در ذکر سند اشتباه کرده و روایت شریح را از سعد شنیده و به ابن‌قیس نسبت داده باشد.

در نتیجه، با چشم‌پوشی از احتمال منتقله‌بودن روایت، تنها نقل پذیرفتنی روایت شریح از نظر سندی، نقل سوم است که افزون بر دو اشکال نقل‌شده از عامه، در بخش نقد روایت شریح در منابع عامه، به دو اشکال بزرگ متنی و محتوایی دیگر مبتلا است.

### اشکال نخست: روایات معارض

با جست‌وجو در منابع عامه، روایتی معارض با روایت شریح یافت نشد، ولی در منابع شیعی در برابر این روایت، دو دسته روایت معارض وجود دارد:

**دسته اول**، روایاتی که با حکم روایت شریح، در تعارض‌اند؛ و به جای شمار دنده‌ها، قرعه را فصل‌الخطاب دانسته‌اند یا در مقام تعیین میزان سهم الارث، نیمی از

سهم یک زن و نیمی از سهم یک مرد را تعیین کرده‌اند که بسیاری از فقها آنها را حجت دانسته و بر اساس آنها فتوا داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۵۸/۴؛ حلی، ۱۴۲۰: ۷۴/۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۵۸۰/۱۱؛ مراغی، ۱۴۱۷: ۵۰/۱).

**دسته دوم**، دو روایت از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که خلقت حواء از دنده آدم را به شدت رد کرده‌اند:

الف. عمرو بن ابی المقدام از پدرش نقل کرده: «از امام باقر علیه السلام پرسیدم: حواء از چه آفریده شد؟ حضرت فرمود: مردم چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌گویند خدا او را از دنده‌های آدم آفریده! حضرت فرمود: دروغ می‌گویند. آیا خدا عاجز بود که او را از غیر دنده او بیافریند؟!» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۱۶/۱).

ب. زرارة از امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش روایت قبل، نقل کرده: «خدا از این عمل، پاک و منزّه و بسیار برتر است؛ آیا معتقدند که خدای تبارک و تعالی ناتوان بود که برای آدم همسری از غیر دنده او بیافریند؟!» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۷۹/۳ و ۱۳۸۶: ۱۷/۱).

طریق شیخ صدوق در *من لایحضره الفقیه* به زرارة صحیح است (خویی، ۱۴۱۳: ۲۴۷/۷). بنابراین، روایت شریح با روایت زرارة تعارض دارد؛ و برای ترجیح هر کدام باید مرجحاتی یافت که از جمله مرجحات روایت زرارة، موافقت روایت شریح با عامه - روایتاً و فتوائاً - است. مرجحات دیگری نیز برای تأیید روایت زرارة و کنار گذاشتن روایت شریح وجود دارد که پیش از این بیان شد.

### اشکال دوم: مخالفت با مسلمات علمی

بزرگ‌ترین اشکال نشان‌دهنده جعل روایت شریح، مخالفت صدر و ذیل آن با علم قطعی است که هم در منابع عامه و هم شیعی به آن پرداخته شده است:

الف. در دو علم تشریح و آناتومی، ثابت شده که تعداد دنده‌های زن و مرد با هم مساوی است. به این حقیقت در منابع مختلف عامه و شیعی استناد شده است (عاملی، بی‌تا: ۲۱۶/۸ و ۲۱۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۵/۳۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵۲/۳۰؛ سبحانی، ۱۴۱۵: ۳۷۸؛ مؤمن، ۱۳۸۵: ۶؛ دلیر، ۱۳۸۷: ۱۰۷؛ محسنی، ۱۴۲۴: ۲۲۴/۱؛ دسوقی، بی‌تا: ۴۹۵/۴؛ خطاب، ۱۴۱۲: ۴۳۲/۶؛ زرقانی، ۱۴۲۲: ۴۱۰/۸؛ نیآوردی، ۱۴۱۹: ۳۸۱/۹ و ۴۱۲/۱۱؛ رافعی، بی‌تا: ۱۷۲/۱؛ رویانی، ۲۰۰۹: ۳۷۰/۹؛ علیش، ۱۴۰۹: ۷۱۶/۹).

**نقد:** این ادعا غالباً مطابق واقع است، اما بر اساس استقرای تام نیست و نمی‌توان به آن ترتیب اثر داد (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵۲/۳۰).

**پاسخ:** در روایت شریح، این معیار، برگرفته از آفرینش حواء از دندهٔ آدم ذکر شده، و از آن نتیجهٔ عام گرفته شده است: «دنده‌های مردان یک دنده کمتر از دنده‌های زنان است». این سخن مستلزم آن است که یک دندهٔ همهٔ مردان کمتر از زنان باشد. بنابراین، معلوم شدن خلاف آن حتی در یک مرد، ناقض حکم روایت است، چه رسد به مشاهدهٔ آن در غالب مردان. در حالی که دانشمندان علم تشریح همواره بر تساوی تعداد دنده‌ها تأکید داشته‌اند (ابن‌سینا، بی‌تا: ۵۳/۱؛ ابن‌نفیس، ۱۹۸۱: ۳۵/۱ و ۵۰)؛ و امروزه در علم آناتومی نیز که مبتنی بر دانش جدید بشری و ابزارهای پیشرفته است، شمار دنده‌ها در انسان، چه زن و چه مرد، هم‌صدا با دانشمندان قدیم، ۱۲ جفت اعلام شده است (Snell, 2012: 25؛ پارکر، ۱۳۹۱: ۳۶).

ب. در صدر برخی نقل‌های روایت، ادعا شده که شخص مزبور، هم بارور شده و هم بارور کرده که این ادعا با علم قطعی تعارض دارد؛ زیرا در علم ژنتیک ثابت است که کروموزوم‌های جنسی انسان یا الگوی XY دارند یا XX و چینش‌های غیر این دو الگو،<sup>۲</sup> اغلب منجر به نازایی هستند و گزارش علمی‌ای وجود ندارد که الگوهای چینشی کروموزوم‌ها موجب مضاعف‌شدن توان جنسی فرد شده باشد (دلیر، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸).

بنابراین، صدر و ذیل روایت شریح، با علم قطعی تعارض دارد؛ و چون چنین تعارضی از نشانه‌های جعل است، به جعلی‌بودن روایت شریح حکم می‌شود (غفاری، ۱۳۶۹: ۷۳؛ دیاری، ۱۳۸۳: ۲۷۰).

### نتیجه

از آنچه بیان شد، قرائنی که جعلی‌بودن روایت شریح را نشان می‌دهد، عبارت است از:

۱. نظریهٔ آفرینش زن از دندهٔ مرد، که تکیهٔ این روایت بر آن است، از نظریات ارسطو بوده است.
۲. داستان آفرینش حواء از دندهٔ آدم، که در این روایت به آن استشهاد شده، از اسرائیلیات است.

۳. وجود روایات معارض و مطابقت روایات شریح با منابع عامه از نظر روایی و فتوایی.

۴. تعارض روایت شریح با وجود خنثای مشکل که همه فقها قبول دارند؛ زیرا اگر تعداد دنده‌ها در تعیین جنسیت حجت بود، قول به وجود خنثای مشکل، بی‌معنا بود.

۵. ضعف و تردید در صحت سند روایت شریح.

۶. اختلاف موجود در نقل‌های مختلف که چه از یک یا چند راوی باشد یا از مؤلفان یا نویسندگان پدید آمده باشد، موجب اضطراب است و مطلقاً مانع از عمل به مضمون حدیث می‌شود.

۷. مخالفت صدر و ذیل نقل صدوق با مسلمات علمی.

بنا بر آنچه بیان شد، روایت شریح، بر فرض پذیرش صحت سند نقل شیخ صدوق، خبری واحد است که با توجه به اشکالات هفت‌گانه خارج و داخل متنی ذکرشده، به‌ویژه به دلیل مخالفت صدر و ذیل آن با علم قطعی، جعلی‌بودن آن روشن است و قابلیت ایجاد مظنه را نیز ندارد؛ و نیز به این دلیل که در آخرین مرحله از سیر جعل روایات آفرینش زن از دنده‌های مرد، به دست طرفداران علوم یونانی و ناقلان اسرائیلیات، جعل شده و به واسطهٔ راویان طرفدار داستان‌های نادر و عجیب مرتبط با منابع عامه در میان روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام وارد شده است.

از تمام آنچه بیان شد، به‌خوبی روشن می‌شود که روایت شریح، صلاحیت استناد برای صدور هیچ‌گونه حکم شرعی را ندارد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. مؤلفان الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی متوفای ۴۵۰ ه.ق. و بحر المذهب متوفای ۵۰۲ ه.ق. هستند.

۲. اختلال‌های جاکوب، دیس ژنزی توبولار (کلاین فلتز)، دیس ژنزی گوناد (نشانگان ترنر) (دلیر، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸).

### منابع

آشتیانی، محمدحسن (۱۴۱۸). رساله فی القواعد الفقهیه، تهران: مؤسسهٔ اطلاعات، چاپ اول.  
ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۲۷۱). الجرح والتعدیل، حیدرآباد هند: مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.

ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹). *الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار*، رياض: مكتبة الرشد.  
ابن ابی اسامه، حارث بن محمد (۱۴۱۳). *بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث*، مدينة: مركز خدمة السنة  
والسيرة النبوية، الطبعة الاولى.

ابن اثير، علی بن محمد (۱۴۱۷). *الكامل في التاريخ*، بيروت: دار الكتاب العربي.  
ابن الساعی، علی بن انجب (۱۴۳۰). *الدر الثمين في أسماء المصنفين*، تونس: دار الغرب الاسلامی.  
ابن بطلال، علی بن خلف (۱۴۲۳). *شرح صحيح البخارى*، رياض: مكتبة الرشد.  
ابن بكار، زبير (۱۴۱۶). *الأخبار الموقفيات*، بيروت: عالم الكتب.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱). *مسند*، بيروت: مؤسسة الرسالة.  
ابن راهويه، اسحاق بن ابراهيم (۱۴۱۲). *مسند*، مدينة: مكتبة الايمان.  
ابن سعد، محمد (۱۴۱۰). *الطبقات الكبرى*، بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن سينا، حسين بن عبدالله (بی تا). *القانون في الطب*، تحقيق: محمد امين الضناوى، بی جا: بی نا.  
ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*، قم: مؤسسه انتشارات علامه.

ابن عابدين، محمد امين بن عمر (۱۴۱۲). *رد المختار على الدر المختار*، بيروت: دار الفكر.  
ابن عابدين، محمد امين بن عمر (بی تا). *قرة عين الأخير لتكملة رد المختار على الدر المختار شرح*  
*تتوير الأبصار*، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

ابن قدامة، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸). *المغنى*، قاهره: مكتبة القاهرة.  
ابن مفلح، ابراهيم بن محمد (۱۴۱۸). *المبدع في شرح المقنع*، بيروت: دار الكتب العلمية.  
ابن منذر، محمد ابن ابراهيم (۱۴۲۳). *كتاب تفسير القران*، مدينة: دار المآثر.

ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم (بی تا). *البحر الرائق شرح كنز الدقائق*، بی جا: دار الكتاب الإسلامی.  
ابن نفيس، علی بن ابی الحزم (۱۹۸۱). *شرح تشريح القانون لابن سينا*، تحقيق: سلمان قطاية السورى،  
پاریس: بی نا.

ابو اسحاق شيرازى، ابراهيم ابن علی (بی تا). *المهذب في فقه الامام الشافعي*، بی جا: دار الكتب العلمية.  
اراکى، محمدعلی (۱۴۱۳). *رسالة في الارث*، قم: مؤسسه در راه حق.  
اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان*، قم: دفتر انتشارات  
اسلامی.

اعرابی، غلام حسين (۱۳۸۷). «نگاهی نو به روایات آفرینش زن از دنده چپ مرد»، در: *پژوهشنامه قرآن*  
و حدیث، ش ۵، ص ۴۷-۵۸.

بابرتی، محمد بن محمد (بی تا). *العناية شرح الهداية*، بيروت: دار الفكر.  
بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.  
بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲). *الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله ﷺ و سنته*  
و آیامه، دمشق: دار طوق النجاة.

البرزار، احمد بن عمرو (۲۰۰۹). *البحر الزخار*، مدينة: مكتبة العلوم والحكم.

- بصری بحرانی، محمد امین (۱۴۱۳). *کلمة التقوی، قم: سید جواد وداعی*.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۱۸). *التهدیب فی فقه الإمام الشافعی، بیروت: دار الکتب العلمیة*.
- پارکر، استیو (۱۳۹۱). *فرهنگ‌نامه بدن انسان، ترجمه: احمد مختاریان، تهران: طلائی*.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸). *الجامع الکبیر (سنن ترمذی)، بیروت: دار الغرب الاسلامی*.
- تمیمی دارمی، عبدالله (۱۴۱۲). *مسند، عربستان سعودی: دار المغنی للنشر والتوزیع*.
- تمیمی دارمی، عبدالله (۱۴۳۴). *مسند، بیروت: دار البشائر*.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). *دعائم الإسلام، مصر: دار المعارف*.
- جوزی، عبدالرحمن بن علی (بی‌تا). *کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ریاض: دار الوطن*.
- جوینی، عبدالملک (۱۴۲۸). *نهایة المطلب فی درایة المذهب، بی‌جا: دار المنهاج*.
- حطاب الرُّعینی، محمد (۱۴۱۲). *مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، بیروت: دار الفکر*.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی*.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام*.
- حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان*.
- حمیدی، عبدالله بن الزبیر (۱۹۹۶). *مسند، دمشق: دار السقا*.
- حمیری، عبدالملک بن هشام (۱۳۷۴). *التیجان فی ملوک حمیر، صنعاء: مرکز الدراسات والأبحاث الیمنیة*.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان*.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳). *معجم رجال الحدیث، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی*.
- دسوقی، محمد بن احمد (بی‌تا). *حاشیة علی الشرح الکبیر، بیروت: دار الفکر*.
- دلیر، محسن (۱۳۸۷). *تغییر جنسیت آری یا نه؟، دروس آیت‌الله العظمی دوزدوزانی، قم: نشر آثار امین*.
- دیاری، محمدتقی (۱۳۸۳). *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی*.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۲). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر*.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۰۵). *سیر أعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرسالة*.
- الرافعی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۷). *العزیز شرح الوجیز معروف به الشرح الکبیر، بیروت: دار الکتب العلمیة*.
- رویانی، عبدالواحد بن اسماعیل (۲۰۰۹). *بحر المذهب، بیروت: دار الکتب العلمیة*.
- زرقانی، عبدالباقی بن یوسف (۱۴۲۲). *شرح الزرقانی علی مختصر خلیل، بیروت: دار الکتب العلمیة*.
- زرکلی، خیرالدین بن محمود (۲۰۰۲). *الاعلام، بیروت: دار العلم للملأین*.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸). *موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام*.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۵). *نظام الإرث فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام*.



- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). *مهآب الأحكام*، قم: مؤسسه المنار و دفتر معظم له.
- سنیکی، زکریا بن محمد (بی تا). *الغرر البهیة فی شرح البهجة الوردیة*، بی جا: المطبعة المیمنیة.
- شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۵). *النجعة فی شرح اللمعة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
- صدوق، محمد بن حسین (۱۳۶۱). *معانی الأخبار*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن حسین (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الرسل والملوک*، بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *التهذیب*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- عاملی، سید جواد (بی تا). *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- علیش، محمد بن أحمد (۱۴۰۹). *منح الجلیل شرح مختصر خلیل*، بیروت: دار الفكر.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *کتاب التفسیر*، تهران: چاپخانه علمیه.
- العینی، محمود بن احمد (۱۴۲۰). *البنایة شرح الهدایة*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹). *تلخیص مقباس الهدایة*، تهران: چاپخانه تابش.
- قشیری نسابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا). *المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل الی رسول الله ﷺ*، بیروت: دار احياء التراث العربی.
- قمی، سید تقی (۱۴۲۶). *مبانی منهاج الصالحین*، قم: منشورات قلم الشرق.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). *تفسیر قمی*، قم: مؤسسه دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- لنکرانی، محمد (۱۴۲۱). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (الطلاق - الموارث)*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشان پور.
- محسنی، محمدآصف (۱۴۲۴). *الفقه و مسائل طبیة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷). *العناوین الفقهیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- المرداوی، علی بن سلیمان (۱۴۱۵). *الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف*، قاهره: هجر للطباعة والنشر والتوزیع والإعلان.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الإرشاد إلى معرفة سادة العباد*، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٥). الشرح الكبير (منتشر شده به همراه المقنع والإنصاف)، قاهره: هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.

مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (بی تا). الشرح الكبير على متن المقنع، بی جا: دار الكتاب العربی للنشر والتوزيع.

موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم. مؤمن قمی، محمد (١٣٨٥). «بررسی فقهی، حقوقی تغییر جنسیت و تبعات آن»، ترجمه: حسین حبیبی تبار، در: فصل نامه تخصصی علوم اسلامی، س ١، ش ٣، ص ٦-٢٢.

نجفی، محمدحسن (١٤٠٤). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نراقی، مولی احمد (١٤١٥). مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

نسائی، احمد بن شعیب (١٤٢١). السنن الکبری، بیروت: مؤسسه الرساله.

نوری، میرزا حسین (١٤٠٨). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

نووی، یحیی بن شرف (١٣٩٢). المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نووی، یحیی بن شرف (بی تا). المجموع شرح المهدب، بیروت: دار الفکر.

نیاوردی، علی بن محمد (١٤١٩). الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

نیاوردی، علی بن محمد (بی تا). النکت والعیون (تفسیر الماوردی)، بیروت: دار الکتب العلمیه.

وکیع، محمد بن خلف (١٣٦٦). اخبار القضاة، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.

هاشمی، محمد بن احمد (١٤١٩). الإرشاد إلى سبیل الرشاد، بیروت: مؤسسه الرساله.

Snell, Richard S. (2012). *Clinical Anatomy by Regions*, Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins, 9th Ed.